[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]

[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

مقالهٔ علمی ـ پژوهشی

بررسی خشونت علیه زنان در ادبیات داستانی دههٔ چهل با تکیه بر چهار رمان (*شوهر آهوخانم*، *سنگ صبور*، *شازده احتجاب*، *سووشون*)

کلثوم قربانی جویباری*

آذر حسینی**

چکیده

ادبیات داستانی جدید ایران محل ظهور اندیشه‌های نو و مترقی است؛ ازجمله، عرصهٔ نقش‌آفرینی زنان، هم در جایگاه نویسنده و هم در مقام قهرمانان تأثیرگذار در خلق رخ‌دادهاست. در این ادبیات جدید، زنان دستمایهٔ طرح معضلات در بسیاری از داستان‌ها می‌شوند. ازجملهٔ این معضلات خشونت علیه زنان است. در این مقاله سعی شده است تا خشونت، انواع، ابزار و عوامل مختلف بروز آن در رمان‌های برگزیدهٔ دههٔ چهل با نام‌های *سنگ‌صبور*، *شوهر آهوخانم*، *شازده احتجاب*، و *سووشون* بررسی شود تا ازطریق آن، نگرش نویسندگان این آثار به حقوق زنان و مسائل موجود در جامعه نشان داده شود. با تحلیل محتوای آثار پیش‌گفته، بیشترین خشونت از نوع پنهان و آشکار در رمان *شوهر آهوخانم* دیده می‌شود و رمان‌های *سنگ‌صبور* و *شازده احتجاب* و *سووشون* به‌ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. عوامل متعددی در بروز این خشونت‌ها نقش دارند: فرهنگ، عرف و سنت‌ها، عقاید مذهبی، خانواده و نگرش مردسالارانه و ناآگاهی زنان از حقوق خود و... ازجملهٔ این علل به‌شمار می‌روند. طرح موضوع خشونت علیه زنان در رمان‌ها نشان می‌دهد که نویسندگان این دوره در جایگاه روشنفکران و مصلحان جامعه نگرش فمینیستی دارند و با اعتراض به سنت‌های جنسیت‌زدهٔ حاکم و نقد سلطهٔ پدرسالارانه و نمایش وضعیت نامطلوب اجتماعی و موقعیت فرودست زنان، سعی می‌کنند به دفاع از حقوق آنها بپردازند.

کلیدواژه‌ها: زنان، خشونت، ادبیات داستانی، دههٔ چهل.

---

* استادیار دانشگاه بیرجند kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

** کارشناس‌ارشد دانشگاه بیرجند azarhoseyni52@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۲

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

۱. مقدمه

حضور قهرمان زن و سوژگی‌اش در داستان‌پردازی معاصر پررنگ‌تر از هر نوع ادبی و هر دوره است. در این دوره، نوع نگرش نویسندگان دچار تغییر و تحول بنیادی می‌شود و به‌تدریج نگاه مردسالارانه رنگ می‌بازد و گرایش به مسائل کلی و عمدهٔ انسانی جایگزین موضوعات سنتی و کهنهٔ جنسیتی می‌شود. ادبیات داستانی این دوره صرفاً جوشش غریزهٔ راوی نیست، بلکه تجلی‌گاه اندیشهٔ نویسنده، بازتاب‌دهندهٔ فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه و نیز نشان‌دهندهٔ تغییر و تحول روح بشری است. این تحول و انعکاس را می‌توان در سال‌های منتهی به مشروطه و بعد از آن دید، تحولات عمیقی که در تمام تشکیلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران رخ می‌دهد و به رشد فکری طبقهٔ متوسط و شکل‌گیری طبقهٔ بورژوا و نخبگان تجددخواه منجر می‌شود. چنین انقلابی را در همهٔ عرصه‌های فرهنگی به‌ویژه در عرصهٔ ادبیات و ادبیات داستانی می‌توان دید؛ به‌عبارت دیگر، مهم‌ترین تحول در ادبیات جدید ایران، در نوع ادبی رمان اتفاق می‌افتد که محملی برای طرح مسائل روز (بالائی، ۱۳۷۷: ۱۱) و ابزاری درجهت بیداری ایرانیان است. در این زمان، موضوعات رزمی و بزمی جای خود را به موضوعات تجددخواهانهٔ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی چون وطن، قانون، آزادی، زن و... می‌دهد و هم‌زمان با این روند و همسو با اهداف انقلاب مشروطه، زنان نیز با عضویت در نهضت‌های مختلف بیداری و گرایش به آزادی و مساوات و فعالیت در مطبوعات ترقی‌خواه (نوری و مسیب‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۱۴) به ادبیات داستانی راه پیدا می‌کنند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت ادبیات داستانی جدید از دو منظر مصداق رهایی زنان از سلطهٔ ادبیات مردسالار می‌شود: نخست، از جهت ظهور و بالندگی نویسندگان زن و دو دیگر، توجه به مشکلات و مسائل زنان به‌عنوان قهرمان اصلی داستان و جامعه. در این دوره، آفرینش جهانی زنانه و تثبیت نقش و جایگاه زنان در داستان بدیهی و ضروری به‌نظر می‌رسد. بخش مهمی از حضور زنان در ادبیات داستانی این دوره به انعکاس زوایای آشکار و پنهان این گروه در قالب شخصیت‌هایی چون، زن معترض، زن فداکار، زن قربانی و یا سلطه‌طلب اختصاص می‌یابد. به‌تدریج، در دوره‌های بعد، به‌ویژه در دورهٔ پهلوی دوم، پرداختن به این مفاهیم و مسائل عمیق‌تر می‌شود؛ «زیرا ستایش از نیروهای غیرعقلانی و خشونت غریزی و جنسی جای گرایش به جنبش و جامعه را می‌گیرد و تأکید بر تجربه‌های بیمارگونه، جانشین واقع‌گرایی سیاست‌زدهٔ دههٔ بیست می‌شود» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۲۷۴). یکی از موضوعاتی که در آثار داستانی نویسندگان این دوره ظهور آشکار دارد، پرداختن به مسائل زنان و موضوعات مختلف مربوط به آنان به‌مثابهٔ بخشی از جامعهٔ ایرانی است. برای مثال، حتی نام برخی از این رمان‌ها نام زنان است. ازجملهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

این رمان‌ها *زیبا* و *پریچهر* و *هما* از محمد حجازی است که گزارشگر دیوان‌سالاری سنتی و آشفتگی جامعه پس از انقلاب مشروطه و وضعیت بغرنج زنان است (عسگری، ۱۳۹۴: ۴۷). تداوم این جریان را به‌شکل جسورانه‌تر و پخته‌تر در سال‌های بعد می‌بینیم. آثار داستانی دهۀ چهل، که به‌زعم بسیاری از منتقدان ادبی اوج شکوفایی و اقتدار ادبیات داستانی است، نیز نه‌تنها خالی از حضور زنان در قالب‌های مختلف شخصیتی نیست، بلکه بیشترین بازتاب حضور زن در ادبیات داستانی را، چه درجایگاه قهرمان و چه نویسنده، می‌توان در آثار این دوره بازیابی کرد (ولی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

اگرچه دهۀ چهل، مانند بقیۀ تاریخ ایران و جهان، ادبیات داستانی در سیطرۀ مردان بوده و قهرمان اصلی داستان‌ها مردان هستند و گویی «اصل بر مذکرانگاری» (غذامی، ۱۳۹۵: ۱۵) است، قهرمانان زن نیز عهده‌دار نقش‌های مهم و تأثیرگذاری هستند و با حضورشان به طرح مسائل مهم هویتی و مشکلات اجتماعی در بستر جامعۀ سنتی می‌پردازند. یکی از این مسائل انواع خشونت علیه زنان است که در کنار دغدغه‌های اجتماعی مهم نویسندگان این دوره مجال ظهور می‌یابد؛ به‌طوری‌که در ردۀ بن‌مایه‌های بنیادی رمان فارسی قرار می‌گیرد که، با وجود اهمیت موضوع، تحقیقات بسیار اندکی در این زمینه انجام شده است. ازاین‌رو، بر آن شدیم تا با این رویکرد به مسائل زنان در ادبیات داستانی بپردازیم. بنابراین، در این جستار درصددیم تا جلوه‌های خشونت، نوع خشونت و علل خشونت علیه زنان و مصادیق آن را در رمان‌های برجستۀ دهۀ چهل، که رویکردی اجتماعی و فمینیستی دارند، ازطریق تحلیل محتوا تبیین کنیم. رمان‌های *شوهر آهوخانم* (۱۳۴۰)، *سنگ صبور* (۱۳۴۵)، *سووشون* (۱۳۴۸)، و *شازده احتجاب* (۱۳۴۸) آثار مورد مطالعه در این تحقیق‌اند. پرسش‌های پیش‌روی این تحقیق به این شرح‌اند:

۱. کدام نوع خشونت در این داستان‌ها بیشتر به چشم می‌خورد؟

۲. علل خشونت علیه زنان در این داستان‌ها چیست؟

۳. براساس مصادیق خشونت علیه زنان، کدام‌یک از نویسندگان این داستان‌ها دغدغۀ اجتماعی و فمینیستی دارند؟

۱.۱. پیشینۀ پژوهش

توجه به پدیدۀ خشونت در دهۀ ۷۰ میلادی در غرب آغاز شد و پژوهش‌های جامعه‌شناختی گسترده و عمیقی شکل گرفت که تا به امروز تداوم یافته است. این گرایش در سال ۱۳۷۶ شمسی اولین‌بار در ایران نیز آغاز شد. برپایی سمینارهای پژوهشی، وضع قوانین جدید قضایی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

فعالیت‌های دانشگاهی و نیز مطالعات تخصصی و بینارشته‌ای گام‌های اولیه در این باب است. یکی از این مطالعات تخصصی و موردی، در حوزهٔ ادبیات و بالاخص ادبیات داستانی صورت گرفته است. ادبیات داستانی از آن جهت که از دل جامعه و مسائل و رخدادهای اجتماعی برمی‌خیزد، می‌تواند بستر مناسبی برای آسیب‌شناسی خشونت علیه زنان باشد. با وجود این امکان، در سال‌های اخیر فقط تعداد بسیار اندکی مقاله و پایان‌نامه دربارهٔ خشونت علیه زنان در داستان‌های معاصر فارسی نگاشته شده است که به این شرح‌اند: «خشونت علیه زنان در آثار محمود دولت‌آبادی» (۱۳۸۸) از صبا واصفی و حسن ذوالفقاری؛ «بررسی انواع خشونت‌های اعمال‌شده علیه زنان در رمان پریچهر» (۱۳۹۴) از سوده مقصودی و همکاران؛ «بررسی جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در داستان هجرت سلیمان با تأکید بر هویت زنان» (۱۳۹۵) از سعیده درویشی و محمد اکبری؛ «بررسی مقایسه‌ای جلوه‌های خشونت زنان در داستان‌های دختر غبار و کولی کنار آتش» (۱۳۹۶) از مائده اسداللهی و همکاران؛ «خشونت علیه زنان در رمان جای خالی سلوچ و رمان گودان» (۱۳۹۶) از کیومرث رحمانی و سوبهاش کمار؛ «بررسی جلوه‌های ناتورالیسم در داستان‌های کوتاه دولت‌آبادی و درویشیان» از روناک صمدی و همکاران. همچنین، دو پایان‌نامه به ثبت رسیده است: «تحلیل مردم‌شناختی جلوه‌های خشونت علیه زنان در ادب فارسی» (۱۳۹۳) از فرزانه اسماعیل‌پور؛ «بررسی و تطبیق جلوه‌های خشونت در آثار برگزیدهٔ گلی ترقی و تونی موریسون» (۱۳۹۶) از مهشید علینقی.

از بررسی این پژوهش‌ها چند نکتهٔ مهم به‌دست آمده است: اولاً، همهٔ این تحقیقات به مطالعهٔ موردی خشونت علیه زنان در یک یا دو اثر داستانی و از یک نویسندهٔ خاص پرداخته‌اند؛ ثانیاً، تنها سه مورد از مقالات در نشریات تخصصی ادبیات چاپ شده است؛ ثالثاً، هریک از این پژوهش‌ها با رویکرد متفاوتی از قبیل نقد فمینیستی با سویهٔ جامعه‌شناختی، نقد هویتی با رویکرد سیاسی، نقد ادبی و از منظر مکتب‌های ادبی و تحلیل محتوای صرف داستان‌ها و استخراج موارد خشونت علیه زنان داستان‌ها را تحلیل کرده‌اند. وجه تمایز مقالهٔ پیش‌رو با مقالات پیش‌گفته در دو موضوع مهم است: یک، این تحقیق، یک دورهٔ مهم تاریخی در داستان‌نویسی را در کانون توجه قرار داده است؛ دو، نگارندگان این مقاله سعی دارند تا با نشان‌دادن تمام جلوه‌های خشونت علیه زنان و مقایسهٔ همه‌جانبهٔ آثار برگزیدهٔ دههٔ چهل و تحلیل فضای موجود در آنها به نقد و تحلیل جامعه‌شناختی و فمینیستی این آثار بپردازند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

۲. انواع خشونت و نمودهای آن در آثار داستانی

خشونت موضوع بسیار پیچیده و مهمی است که در محیط خانواده و اجتماع به اشکال مختلفی چون خشونت علیه کودکان، خشونت علیه زنان، خشونت علیه مردان و خشونت علیه افراد مسن و سالخورده نمود می‌یابد. یکی از متداول‌ترین انواع خشونت، خشونت علیه زنان است که در ایران همواره به‌مثابۀ ابزاری برای تثبیت قدرت مردانه به‌کار می‌رود و به‌طور مشخص و در اصطلاح حقوقی آن در دو حوزۀ خصوصی و عمومی اتفاق می‌افتد (کار، ۱۳۸۷: ۳۴). خشونت علیه زنان اصطلاحی تخصصی است که «برای توصیف کلی کارکردهای خشونت‌آمیز علیه زنان به‌کار می‌رود. این پدیده، در نظام اجتماعی ریشه دارد و اشخاص صرفاً کارگزاران منویات فرهنگی آن به‌شمار می‌آیند» (محمدی‌اصل، ۱۳۹۰: ۲۶). خشونت علیه زنان موضوعی است که هم در محدودۀ عمومی (جامعه) و هم در محدودۀ خصوصی (خانواده) اتفاق می‌افتد. در محدودۀ عمومی، خشونت در عرصه‌هایی نظیر آداب و رسوم، فرهنگ شفاهی و کتبی و... و در محدودۀ خصوصی، هم در خانۀ پدری و هم در خانۀ شوهر (کبیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹۶) به شکل‌های گوناگون رخ می‌دهد و به دو نوع آشکار و پنهان جلوه می‌کند.

۲. ۱. خشونت آشکار

این نوع از خشونت شامل خشونت فیزیکی و جسمانی و خشونت لفظی است (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۱). خشونت فیزیکی و جسمانی می‌تواند به شکل‌های مختلفی اعمال شود؛ مانند کتک‌زدن، شکنجه، قتل و هرگونه رفتار غیراجتماعی که جسم زن را هدف آزار قرار می‌دهد.

۲. ۱. ۱. تجاوز

یکی از بدترین شکل‌های خشونت آشکار علیه زنان، اِعمال خشونت در برقراری رابطۀ جنسی و بدترین آنها تجاوز است. زنان در همۀ جوامع با خطر تجاوز روبه‌رو هستند. اغلب تجاوزهایی که علیه زنان صورت می‌گیرد در محیط خانه و ازسوی همسران و مردان خویشاوند است. بسیاری از فعالان حقوق زنان معتقدند که «تجاوز به‌معنی برقرارکردن رابطۀ جنسی نیست، بلکه تجاوز خشونتی است که با تأکید بر قدرت و به قصد سیطرۀ مردانه انجام می‌شود» (سیگر و مدنی، ۱۳۹۵: ۵۶). فمینیست‌های رادیکال بر این عقیده‌اند که می‌توان هرگونه پیش‌روی جنسی مرد را که برخلاف میل و نظر زنان است در زمرۀ اشکال تجاوز قرار داد (آبوت و کلر، ۱۳۸۰: ۲۳۳). این نوع از خشونت به شیوه‌های مختلف در همۀ آثار دیده می‌شود. در رمان *شوهر آهوخانم* سید میران بعد از طلاق‌دادن هما دچار جنون می‌شود و با رفتاری خشونت‌آمیز

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

خواهان برقراری رابطه با هماست (افغانی، ۱۳۸۳: ۶۹۳). در رمان *سنگ‌صبور* «گوهر» و «بلقیس» به‌عنوان کارگر جنسی به‌راحتی هدف تجاوز قرار می‌گیرند، بی‌آنکه بتوانند از خود دفاعی بکنند (چوبک، ۱۳۴۵: ۱۶۹ و ۲۸۶). در *سووشون* نیز شاهد این نوع از خشونت هستیم. در این رمان، فردوس دختربچه‌ای است که به‌دست خانواده‌اش فروخته می‌شود و هدف تجاوز قرار می‌گیرد (دانشور، ۱۳۴۹: ۹۲). در *شازده احتجاب* گلشیری این رفتار خشونت‌آمیز مکرر اتفاق می‌افتد. یکی از خشونت‌آمیزترین صحنه‌ها در این داستان لحظه‌ای است که *شازده احتجاب* بدون درنظرگرفتن مرگ همسر در کنار جسد او با فخری به‌اجبار رابطهٔ جنسی برقرار می‌کند (گلشیری، ۱۳۷۰: ۶۷-۶۸).

۲.۱.۲. قتل

برطبق آمار جهانی، دست‌کم یک‌نفر از هر سه زن در سراسر جهان طی زندگی خود هدف ضرب‌وشتم قرار می‌گیرد یا یکی از اعضای خانواده شکل‌های دیگری از رفتارهای خشونت‌آمیز را دربارهٔ زن اعمال می‌کند که در نهایت به قتل منجر می‌شود (سیگر و مدنی، ۱۳۹۵: ۲۸). در رمان *سنگ‌صبور*، سیف‌القلم، دکتر هندی، مخالف روسپی‌گری است و برای مبارزه با این پدیده به روش‌هایی کاملاً غیرانسانی متوسل می‌شود. به‌نظر او، راه‌حل پایان‌دادن به خودفروشی زنان کشتن آنان است: «من هرچه فقیر و فاحشه است باید نابود کنم. تو هم باید بیایی و در کمیتهٔ من معاونم باشی» (چوبک، ۱۳۴۵: ۲۷). سیف‌القلم بدون اینکه در پی ردیابی دلایل فاحشه‌شدن زنان باشد، صورت مسئله را پاک می‌کند و با راه‌انداختن کمیتهٔ آدم‌کشی سعی دارد زنان بدکاره را بکشد و مریضی‌های حاصل از آن را از بین ببرد، راه‌حلی کاملاً غیرانسانی که به زنان این داستان تحمیل می‌شود. چوبک با شخصیت‌پردازی سیف‌القلم نیشخندی تلخ به نگاه مردسالارانه و مغرضانهٔ مردان و اجتماع می‌زند. سیف‌القلم حتی به فکر باغی بزرگ است تا زنان روسپی را یکی‌یکی با سیانور بکشد و در آن باغ کنار هم دفن کند (همان، ۱۷۲). در رمان *شازده احتجاب* نیز شاهد آزار جسمی و روحی زنان هستیم که پیامدهایی چون قتل به‌دنبال دارد. در بخشی از داستان، خواننده از طریق گفت‌وگوی جد کبیر با شازده، متوجه قتل مادر جد کبیر به‌دست خود جد کبیر می‌شود: «تو پدرسوخته بیرونش کردی تا برود این‌طرف و آن‌طرف بنشیند و بگوید شازدهٔ بزرگ، که من، چه کارها که نکردم، که چطور با دست خودم مادر سلیطه‌ام را کشتم» (گلشیری، ۱۳۷۰: ۱۶). در جایی دیگر از داستان پدربزرگ، شازده زن برادر و برادرش را می‌کشد و آنها را در چاه می‌اندازد: «زنش را انداختیم. بچه‌ها را هم انداختیم توی چاه و رویشان سنگ ریختیم» (گلشیری،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

۱۳۷۰: ۲۱). در *سووشون* در برخی مواقع شدت خشونت‌های فیزیکی تا حد مرگ پیش می‌رود، ولی قتلی رخ نمی‌دهد (دانشور، ۱۳۴۹: ۹۳).

۲. ۱. ۳. سقط جنین

طبق آمارهای جهانی، در سراسر دنیا سالیانه ۲۵ تا ۳۰ میلیون سقط‌جنین قانونی و بیش از ۲۰ میلیون سقط‌جنین غیرقانونی و ناایمن انجام می‌شود. زمینۀ قانونی سقط‌جنین اهمیتی بسزا دارد؛ به‌این‌معنا که قوانین محدودکننده زنان را ناگزیر می‌کند تا میان سقط‌جنین ناایمن یا زایمان ناخواسته یکی را انتخاب کنند. هرسال، میلیون‌ها زن آن‌چنان مستأصل می‌شوند که به سقط‌جنین مخفیانه دست می‌زنند و ده‌ها هزار نفر از آنها بر اثر عوارض ناشی از این کار، جان خود را از دست می‌دهند (سیگر و مدنی، ۱۳۹۵: ۳۶). در رمان‌های موردنظر، *سووشون* و *شوهرآهوخانم* به چنین خشونتی اشاره دارند. از مهم‌ترین انواع خشونت علیه زنان تجاوز، بارداری و متعاقب آن اجبار به سقط‌جنین است. در *سووشون*، فردوس، دختربچه‌ای که هدف تجاوز مردان خانوادۀ عزت‌الدوله قرار می‌گیرد باردار می‌شود و نهایتاً با عملی خشونت‌آمیز مجبور به سقط‌جنین می‌گردد (دانشور، ۱۳۴۹: ۹۳). در رمان *شوهر آهوخانم* نیز نویسنده سعی دارد تا مشکلات زندگی چندهمسری را به تصویر بکشد و شاید همین امر سبب‌شده تا از سقط‌جنین به‌منزلۀ یکی از انواع خشونت در رمانش سخن به‌میان آورد. هما، که به‌اجبار خانواده با مردی بیکار ازدواج کرده است، هدف ضرب‌وشتم شوهر قرار می‌گیرد و فرزند چهارماهه‌اش را سقط می‌کند (افغانی، ۱۳۸۳: ۱۹۲). در دیگر آثار این نوع دیده نمی‌شود.

۲. ۱. ٤. آزار جسمی زنان (کتک‌خوردن)

بارزترین بعد خشونت علیه زنان آزار و اذیت جسمی آنان است. این نوع از خشونت ممکن است به شیوه‌های گوناگونی صورت بگیرد که مصادیق آن عبارت‌اند از: ضرب‌وشتم، مشت‌زدن، گازگرفتن، سیلی‌زدن، چاقوکشی، مثله‌کردن و... (کبیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰۹). آزار جسمی در آثار پیش‌گفته از شایع‌ترین انواع خشونت به‌شمار می‌رود. در رمان *شوهر آهوخانم* آزار جسمی و کتک‌زدن زنان مکرر اتفاق می‌افتد که بیشترین قربانی این خشونت شخص آهوخانم است.

> اما سیدمیران چنان خون جلوی چشمانش را گرفته بود که به‌کلی حال خود را نمی‌فهمید و نمی‌دانست چه می‌کند. روی سر زن که رسید چوب‌دست سنگین را به هوا برد و مثل آنکه بر پشم بکوبد بی‌محابا بر فرقش فرود آورد... آهو نالۀ دردناکی کرد و درغلتید. خون چون مَشکی که سوراخ شده باشد از زیر موهای بافته‌اش راه گرفت (افغانی، ۱۳۸۳: ۳۱۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

در رمان *سنگ‌صبور* زنان هدف ضرب‌وشتم قرار می‌گیرند. شدت این ضربه‌ها گاهی به‌اندازه‌ای است که زنان زیر بار کتک مردها ناقص می‌شوند (چوبک، ۱۳۴۵: ۶۵). کتک‌زدن زنان در رمان *شازده احتجاب* نیز مکرر دیده می‌شود. در بخشی از داستان، شازده از شکنجهٔ دردناکی که منیره‌خاتون متحمل شده است یاد می‌کند. شازده گفت: «می‌دانی، فخرالنساء، پدربزرگ دستور فرموده بود منیره‌خاتون را داغ کنند... (گلشیری، ۱۳۷۰: ۵۳). همچنین، در رمان *سووشون*، مردان خانهٔ عزت‌الدوله آن‌قدر فردوس را کتک می‌زنند که بچه‌اش را سقط می‌کند (دانشور، ۱۳۴۹: ۹۳).

۲. ۲. خشونت پنهان

خشونت پنهان نوعی از خشونت است که آثار آن در قربانی رؤیت‌پذیر نیست. این نوع از خشونت علیه زنان بیشتر جنبهٔ عاطفی، فرهنگی و اجتماعی دارد که در بطن خود نوعی تحقیر و نگاه مردسالارانه را به‌دنبال دارد. خشونت پنهان نیز به زیرمجموعه‌های خشونت روانی (کم‌انگاشتن زنان در موقعیت‌های مختلف، تصمیم‌گرفتن به‌جای زنان و...) و خشونت اقتصادی (محرومیت‌های مالی، تن‌فروشی و...) تقسیم می‌شود (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱). خشونت پنهان ازنظر جسمانی و فیزیکی رؤیت‌پذیر نیست، اما آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری برای زنان و جامعه در پی دارد که در ادامه به انواع مختلف آن پرداخته می‌شود.

۲. ۲. ۱. آزار جنسی (بردگی جنسی)

یکی از مصادیق خشونت علیه زنان آزار جنسی است که هم در گروه خشونت آشکار و هم در نوع خشونت پنهان قرار می‌گیرد. در نوع خشونت آشکار، به‌این‌دلیل که با آسیب جسمانی همراه است و در نوع خشونت پنهان، به‌این‌دلیل که با تحقیر و خوارداشت و اهانت رخ می‌دهد. این نوع خشونت واکنش‌های متفاوت زنان را به‌دنبال دارد، به‌طوری‌که بیشتر زنان از صحبت‌کردن دربارهٔ آن خشونت طفره می‌روند یا وجود آن را پنهان یا انکار می‌کنند. در حوزهٔ جامعه‌شناسی خشونت، آزار جنسی هر نوع عمل فیزیکی، کلامی یا بصری است که با ارعاب و تهدید همراه است و در زنان و دختران باعث بروز حس تحقیر و ناراحتی می‌شود (دوکردی و حسینی نوذری، ۱۳۹۴: ۸). در ازدواج‌هایی که چوبک آنها را در *سنگ‌صبور* به‌تصویر می‌کشد، نوعی آزار جنسی بر زنان تحمیل می‌شود (چوبک، ۱۳۴۵: ۳۹)، یا در جای دیگر، مأموران دولت با اعمال زور و تحقیر از زنی کام‌جویی می‌کنند (چوبک، ۱۳۴۵: ۱۱۰). در رمان *شوهر آهوخانم* نیز هما، اگرچه در ابتدا نقش برده‌گونهٔ خود را برای ارضای تمایلات سیدمیران می‌پذیرد، در باطن از این مسئله در رنج است:

> عجیب است که شما در چارچوب آزادی‌های ظاهری که این مرد به من داده است روح زندانی‌ام را که مثل یک تخته پوست پلنگ بر مسند شهوات او چارمیخ شده است نمی‌بینید (همان، ۴۷۰).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

در رمان *شازده احتجاب* هم خشونت پنهان از نوع آزار جنسی وجود دارد. مهم‌ترین نمونۀ آن اجبار و تحکم همراه با تحقیر و ضرب‌وشتم شازده به خدمتکارش است که باید مانند همسرش خود را بیاراید و با او هم‌بستر شود (گلشیری، ۱۳۷۰: ۳۱ و ۵۰ و ۵۱). این مورد در رمان *سووشون* دیده نشده است.

۲.۲.۲. تحقیر و دشنام

یکی از انواع خشونت‌های پنهان که زنان در طول سال‌ها شاهد آن هستند تحقیرشدن و دشنام‌شنیدن از همسر است. این نوع از خشونت می‌تواند رفتارهایی نظیر تهدید، تحقیر، تمسخر و فحاشی را نیز شامل شود (فیروزجاییان و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). در بروز این نوع خشونت، رفتار مردان نسبت به زنان فرودست‌نگر و تحقیرآمیز است. «انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، فحاشی، توهین، تمسخر و... نوعی خشونت روانی به‌ظاهر آرام است» (سالاری‌فر، ۱۳۸۹: ۱۰۱). این نوع از خشونت، که نماد زن‌ستیزی محض است، چه در جامعه و چه در تاریخ ادبی ایران نمونه‌های فراوان دارد (حسینی، ۱۳۹۳: ۹۷). در جامعۀ کوچکی که چوبک آن را به‌منزلۀ تمثیلی از جامعۀ بزرگ ایرانی به‌تصویر می‌کشد، زنان جایگاه اجتماعی بسیار پایینی دارند. صادق چوبک در *سنگ صبور* با روش تک‌گویی درونی به بیان تأثیر عملکرد نظام‌های فاسد بر سرنوشت افراد می‌پردازد. در این رمان، مسائل جنسی و استفادۀ ابزارگونۀ زنان با صراحت توصیف شده است. در این توصیفات رنگ‌وبوی تحقیر زنان به‌چشم می‌خورد. در این اثر عبارات و ترکیبات و تشبیهات نازیبا توصیفات حقارت‌آمیزی را رقم می‌زنند که تصویری مخدوش و ترحم‌برانگیز از زنان ارائه می‌کند.

> می‌خواسّم از زندگی این گوهر بنویسم. مثه آفتابۀ خلای مسجد نو می‌مونه. اون‌جا گذوشتنش که هر کی تنگش بگیره ورش داره آب توش بریزه ببردش خلا و کارش که تموم شد گوشۀ خلا ولش کنه. آخرشم می‌نویسم (چوبک، ۱۳۴۵: ۴).

در رمان *شوهر آهوخانم* نیز زنان چه ازسوی مردان و چه ازسوی هم‌جنسانی تحقیر می‌شوند که زاییده و پرورش‌یافتۀ جامعه و تفکرات مردسالارانه هستند.

> زن همسایه محض تملق و درعین‌حال از روی تحقیر دوستانه دو بامبی بر سر وی کوفت. چشمت روشن با این هوویی که شوهرت تنگ دلت گذاشت (افغانی، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

رمان *شازده احتجاب* نیز سراسر تحقیر و فروداشت زن ایرانی است. نمونۀ بارز این رفتار را شازده احتجاب دربارۀ فخری انجام می‌دهد (گلشیری، ۱۳۷۰: ۷۱ و۷۴). تحقیر زنان رعیت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

ازطرف شازدهٔ بزرگ گویی امری طبیعی است: «پسر یک زنکهٔ دهاتی بی‌سروپا با من، با شازدهٔ بزرگ» (گلشیری، ۱۳۷۰: ۱۸ـ۱۹). در *سووشون* نیز برخی از زنان به شیوه‌های مختلف تحقیر می‌شوند. عزت‌الدوله با تمسخر و نیز با رفتار غیرانسانی همسرش را تحقیر می‌کند:

> خدا نیامرزدت مرد! لایق خانم متشخصی مثل من نبود. وقتی دعوایمان می‌شد می‌گفت تو چشمت چپ است. تو را به من انداخته‌اند. می‌گفت دوستت ندارم... صبحش دستم را ماچ می‌کرد، پایم را ماچ می‌کرد و می‌گفت چه کنم من این‌طوری‌ام. از دیدن چادر نماز زن، هر زنی که باشد، حالی‌به‌حالی می‌شوم. و من زارزار به پهنای صورتم اشک می‌ریختم و می‌گفتم مهرم حلال، جانم آزاد، ولم کن برو (دانشور، ۱۳۴۹: ۹۱).

تحقیرکردن زنان در تمام رمان‌های مورد بحث دیده می‌شود. تحقیر و فروداشت زنان از مهم‌ترین و پربسامدترین نمونه‌های خشونت روانی علیه زنان در جوامع مردسالار است.

۲. ۲. ۳. در انزوا نگه‌داشتن و محدودیت در تعاملات اجتماعی

زنان در همه‌جای دنیا با محدودیت‌های غیررسمی وسیعی روبه‌رو هستند. از آن جمله می‌توان به محدودیت در پوشش، نوع رفتار در مجامع خصوصی و عمومی، و محدودیت در رفت‌وآمد اشاره کرد. این نوع از خشونت یکی از آرام‌ترین و غالب‌ترین خشونت‌های پنهان علیه زنان است. در داستان چوبک، شأن اجتماعی زنان آن‌قدر پایین است که حتی حق ورود به مجامع عمومی را ندارند. افرادی که چوبک زندگی آنها را به‌تصویر کشیده است، همگی، متعلق به قشر پایین و فرودست جامعه هستند. بلقیس با شوهر معتادش به قهوه‌خانه می‌رود، اما شوهر بلقیس از ورود او به قهوه‌خانه جلوگیری می‌کند و بلقیس مجبور می‌شود در جایی خلوت بیرون از قهوه‌خانه غذایش را بخورد (چوبک، ۱۳۴۵: ۱۴). در *شوهر آهوخانم* نیز مردان زنان را موجودات بی‌دست‌وپایی قلمداد می‌کنند که تنها وظیفه‌شان زادن و پروردن فرزندان در کنج خانه است.

> من در سکوت سنگین خود نظری به مشرق، نظری به مغرب افکندم، هیچ‌کاری غیر از همان درخانه‌ماندن و به تربیت کودکان رسیدن برای تو به چشم ندیدم؛ همچنین ندیدم که زنی در ردیف تو، به هر نحوی از انحاء در جامعه مشغول کاری از قبیل کار مردان باشد. این کلام را در کجا، چه موقع و چه‌کسی به زبان تو گذارده است؟ آیا می‌خواهی ارکان اجتماع را از هم بپاشی؟ می‌خواهی تو را ببرند و سر مصلی سنگسار کنند؟ (افغانی، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

این مطلب که مردان زنان را از حضور فعال در جامعه و کار در بیرون از خانه برحذر می‌دارند و در مقابل آنان را همچون نیروهای بی‌مزد و مواجب در خانه به‌کار می‌گمارند، از اعمال قدرت همه‌جانبهٔ مردان در زندگی مشترک نشان دارد. در *شازده احتجاب* نیز زنان ناگزیر از ماندن در کنج خانه‌ها و حرم‌سراها هستند تا شاید روزی بتوانند بچه‌دار شوند و خود را سرگرم تربیت فرزند کنند. این زنان آن‌قدر در انزوا و تاریکی حرم‌سراها فرورفته‌اند که خوشبختی‌شان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

در گرو داشتن فرزند است (گلشیری، ۱۳۷۰: ۳۷). در *سووشون* نیز زری خود را موظف به بزرگ‌کردن بچه‌هایش می‌داند و تمام ترسش از این است که اگر این بچه‌ها نباشند، او که بدون تجربه و دنیاندیده است، از عهدۀ چه کاری می‌تواند بربیاید.

> زری نمی‌توانست جلو اشک‌هایش را بگیرد، نالید: امروز خبر مرگم رفتم این یکی را بیندازم. شجاعت نکردم که نگهش داشتم. وقتی با این مشقت بچه‌ای را به‌دنیا می‌آوری، طاقت نداری مفت از دستش بدهی. من هر روز... هر روز تو این خانه، مثل چرخ چاه می‌چرخم تا گل‌هایم را آب بدهم. نمی‌توانم ببینم آنها را کسی لگد کرده... من عین حسین کازرونی با دست‌هایم برای خودم هیچ‌کاری نمی‌کنم... من... نه تجربه‌ای، نه دنیادیدنی... (دانشور، ۱۳۴۹: ۱۳۰).

زری در این جملات خود را با حسین کازرونی که کار هرروزه‌اش آب‌کشیدن از چاه است مقایسه می‌کند. کار هرروزه‌ای که نمادی از پوچی و سردرگمی است. زری نیز هر روزش را برای بچه‌ها و در خدمت به آنها می‌گذراند و از این طریق دور باطلی را سیر می‌کند که نمی‌داند انتهای آن به کجا خواهد رسید. بودن صرف تنها برای شوهر و فرزند عاملی است که زری را از اجتماع دور کرده و به انزوا کشانده است.

۲. ۲. ٤. هوو آوردن و کم‌انگاری

چندهمسری در احکام شرعی اسلام جایز است و طبق آن مردان می‌توانند هم‌زمان تا چهار زن را به عقد دائم خود درآورند. در اکثر ازدواج‌هایی که به چندهمسری ختم می‌شود، هوو‌داشتن عاملی است که بدون‌شک تحقیر و کم‌انگاشته‌شدن زن اول را به‌دنبال خواهد داشت. مسلماً، بروز این نوع خشونت، بیش‌ازهمه‌چیز، بر روح زن تأثیر می‌گذارد و سبب عقدۀ خودکم‌بینی در او می‌شود و از او موجودی منفعل و بی‌اراده می‌سازد (کار، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

در رمان *سنگ‌صبور*، ازدواج حاجی‌اسمعیل با زن جوانی به نام گوهر و پیامدهایی که این ازدواج در زندگی بقیۀ زنان حاجی و حتی خود گوهر دارد درخور تأمل است. در این رمان، داشتن هوو برای زنان حاجی‌اسمعیل و بی‌توجهی حاجی به بقیۀ زن‌ها و حس حقارتی که به زن‌های دیگر حاجی دست می‌دهد زمینۀ بروز خشونت ازسوی حاجی‌اسمعیل علیه زنان و از جانب زنان نسبت به یکدیگر را فراهم می‌کند (چوبک، ۱۳۴۵: ۶۹). در رمان *شوهر آهوخانم*، موضوع اصلی داستان ازدواج مجدد سیدمیران و مصائب آهو بعد از این ماجراست و به‌شکل ظالمانه‌ای حقوق طبیعی آهو زیرپا گذاشته می‌شود و هدف بی‌مهری و بی‌توجهی سیدمیران قرار می‌گیرد (افغانی، ۱۳۸۳: ۳۲۵). *شازده احتجاب* هوشنگ گلشیری نیز از این نوع خشونت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

خالی نیست. در این رمان، گرچه رابطهٔ شازده با فخری مشروع نیست، همین داشتن رابطه با کلفت خانه و بی‌توجهی شازده به فخرالنساء زمینهٔ آزارهای روحی و روانی فخرالنساء را که متعلق به طبقهٔ اشراف است فراهم می‌کند (گلشیری، ۱۳۷۰: ۶۱). در رمان *سووشون* نیز زنان قربانی این پدیده هستند و حضور هوو موجب کم‌انگاشته‌شدن آنها می‌شود. عزت‌الدوله در این رمان همسر مردی زن‌باره است که هرشب را با زنان خیابانی سر می‌کند که نتیجهٔ آن بی‌توجهی به عزت‌الدوله و تحقیر و سرزنش‌شدن اوست (دانشور، ۱۳۴۹: ۹۱).

۲. ۲. ۵. عدم استقلال و فقدان هویت فردی

در طول قرن‌های متمادی، زنان بدون وجود مردان هویتی مستقل نداشتند. به‌عبارت دیگر، در سایه‌سار حضور مردان بود که وجود زن معنا پیدا می‌کرد. در این تعریف، زنان در طول تاریخ وابستگانی تصور شده‌اند که در هر امری در جایگاه دوم اهمیت بعد از مردان قرار دارند. سیمون دوبووار، یکی از فعالان فمینیست که برای احیای حقوق زنان قلم در دست گرفت، در کتاب خود زنان را «جنس دوم»ی قلمداد می‌کند که زیردست جنس برتر مرد قرار دارند (دوبووار، ۲/۱۳۸۵: ۱۰۲). این پدیدهٔ ناهنجار اجتماعی یکی از نمودهای خشونت علیه زنان در رمان *سنگ‌صبور* است. مردان در این داستان به زنان به‌چشم زیردستانشان نگاه می‌کنند و از اعمال هیچ‌گونه ظلمی علیه ایشان غافل نیستند. گوهر و بلقیس در این داستان نمودهای بارزی از زنان تحت ظلم هستند. احمدآقا با تمام علاقه‌ای که به گوهر دارد او را زنی می‌داند که برای ارضای شهوت مردان آفریده شده است (چوبک، ۱۳۴۵: ۵۹). مردان این داستان خود را صاحب زنان می‌دانند که باید تحت امرشان باشند و در ادارهٔ امور شخصی خود اراده و استقلالی ندارند (همان، ۶۳). در *شوهر آهوخانم* نیز زن در سایهٔ مرد هویت می‌یابد و اگر به‌هردلیلی مردی در کنار زن نباشد، ارزش و اعتبار زن خدشه‌دار می‌شود. برطبق همین عقیده است که افغانی در جایی از داستان بیان می‌کند که «زن آن مروارید اصلی است که اگر در گردنش نیاویزند خاصیت زنده‌بودن و شفافیت را زود از دست می‌دهد» (افغانی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). برطبق این تعریف، ارزش و اعتبار زن در استفاده‌ای است که مرد از او می‌برد و اگر مردی در کار نباشد زن حکم مرده‌ای بی‌ارزش را خواهد داشت. در این داستان، وابستگی هویتی به مردان و نداشتن استقلال فردی را خود زنان هم پذیرفته‌اند. زنان در این داستان بر این باورند که مردان در سطحی بالاتر از آنها قرار دارند. این اعتقاد فقط در آهوخانم یافت نمی‌شود، بلکه هما هم که به‌اصطلاح زنی خودرأی است به آن اعتقاد دارد (افغانی، ۱۳۸۳: ۴۲۰). این وابستگی، عدم استقلال و سلطه‌پذیری زنان از مردان در رمان *شوهر آهوخانم* بدان‌اندازه است که سپانلو در تحلیل خود از این رمان می‌گوید: «شوهر آهوخانم در واقع

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

غم‌نامۀ زن ایرانی و سند محکومیت سرنوشتی است که در سال‌های روایت‌شده برای زنان وجود داشته است» (سپانلو، ۱۳۶۶: ۱۷۰). در رمان *شازده احتجاب* گلشیری، دو نوع نگاه به زن وجود دارد. گلشیری در این داستان حکایت شاهزاده‌ای را بیان می‌کند که قدرت موروثی خود را از دست داده است، ولی همواره با یاد شکوه گذشته روزگار می‌گذراند. در روایت این داستان گلشیری نیز همانند افغانی دو چهره از زنان نشان می‌دهد: نگاهی که در آن زن عنصری فرودست است و همواره هدف آزار و اذیت قرار می‌گیرد و نگاهی که زن در آن قدرت برتر است و به‌دنبال انتقام آزار و اذیت‌هایی است که در گذشته بر او تحمیل شده است. فخرالنساء نمایندۀ زنان طبقۀ اشراف و فخری، کلفت خانه، نمایندۀ زنان طبقۀ فرودست جامعه‌اند. با کمی دقت در اتفاقات داستان، برای خواننده آشکار می‌شود که با وجود اختلاف طبقاتی، ارزش و اعتبار این دو زن از یکدیگر فاصلۀ چندانی ندارد و هردوی این زنان، ورای طبقۀ اجتماعی‌ای که دارند، هدف خشونت پنهان و تحقیر مردان قرار می‌گیرند. به‌نظر می‌رسد گلشیری در تشابه اسمی که برای فخرالنساء و فخری به‌وجود آورده است، قصد نشان‌دادن وضعیت غیرانسانی و پایمال‌شدن کرامت انسانی و حقوق ازدست‌رفتۀ همۀ زنان از هر قشری را داشته است. فخرالنساء و فخری در واقع یک نفر و نمادی از زن نوعی ایرانی هستند که طبق اصل حاکمیت مردسالارانۀ روزگار هردو عنصری فرودست به‌شمار می‌روند (گلشیری، ۱۳۷۰: ۶). بی‌هویتی و عدم استقلال زنان در رمان *سووشون* نیز دیده می‌شود. در ماجرای گم‌شدن خسرو، فرزند زری و یوسف، یوسف صراحتاً به زری می‌گوید که در غیاب او مترسکی بیش نیست.

> یوسف به زنش سیلی زد و این اولین‌باری بود که چنین می‌کرد و زری نمی‌دانست که آخرین‌بار هم خواهد بود. آمرانه گفت: خفقان بگیر. در غیابم فقط یک مترسک سر خرمنی! (دانشور، ۱۳۴۹: ۱۱۸).

۲. ۲. ۶. مردسالاری (سلطه‌جویی و انحصارطلبی مردانه)

میزان قدرت مردان و زنان در جوامع مختلف متفاوت است. بااین‌حال، در تمام جوامع مردسالار، مردان از مزایای اجتماعی بیشتری همچون قدرت، ثروت و احترام برخوردارند. تداوم قدرت نظام مردسالاری ناشی از دسترسی بیشتر مردان به مزایای ساختارهای قدرت در درون و بیرون از خانواده و همچنین به‌واسطۀ تقسیم‌کردن این مزایای اجتماعی در جامعه است که خشونت پنهان و ضمنی را بر زنان روا می‌دارد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۵۵ و ۶۵). منظور از مردسالاری «هر فرهنگی است که مردان را ازطریق حمایت از نقش‌های جنسی سنتی برتری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

می‌بخشد؛ مردان را به‌صورت موجوداتی منطقی و نیرومند و حمایت‌گر و مصمم جلوه می‌دهد و زنان را به‌صورت موجوداتی احساساتی، غیرمنطقی، ضعیف و فرمانبردار» (تایسن، ۱۳۸۷: ۱۵۱) نمایش می‌دهد. در رمان *سنگ‌صبور* تمام نشانه‌های جامعهٔ سنتی و مردسالارانه دیده می‌شود (چوبک، ۱۳۴۵: ۱۲). هدف رمان *شوهر آهوخانم*، که سراسر غمنامهٔ زن ایرانی است، طرح مسائل زنان در جامعهٔ سنتی است. در این اثر قهرمانان زن داستان زیر سلطهٔ مردانه قرار دارند و سراسر داستان مبین تسلیم آنها دربرابر ارادهٔ مردسالارانه است (افغانی، ۱۳۸۳: ۱۷۱). برای نمونه، این جملات سیدمیران اوج اقتدارطلبی مردانه را نشان می‌دهد:

> سیدمیران از این برداشت خوشش آمد، با آب و تاب مخصوص گفت: به این جهت که زن یک موجود کامل نیست مصلحت خود اوست که باید این‌طور باشد و ما در کتاب آسمانی آیه داریم که زن باید مطیع اوامر مرد و وسیلهٔ تمتع او باشد. مرد خدای کوچک زن است (افغانی، ۱۳۸۳: ۴۲۱).

در *شازده احتجاب* نیز وضعیت زنان مشابه رمان‌های فوق است، با این تفاوت که فضای سلطنتی و سیاسی عصر قاجار به اختناق علیه زنان دامن می‌زند. در این داستان، زنان علاوه‌براینکه هدف انواع آزارهای جسمی قرار می‌گیرند، گاهی بازیچهٔ سیاسی مردان می‌شوند و به‌عنوان گروگان برای ایجاد صلح مورد استفاده قرار می‌گیرند و در ادامهٔ زندگی خود به‌خاطر ترس از کشته‌شدن خانواده به‌دست میرغضب مجبورند تا تن به هر خواسته‌ای بدهند (گلشیری، ۱۳۷۰: ۴۰). در داستان *سووشون*، با وجود اینکه یوسف و زری به یکدیگر عشق می‌ورزند، باز هم در زندگی آنها نگاه مردسالارانه حاکم است. البته، تفاوت یوسف با بقیهٔ مردهای رمان‌ها در عدم استفاده از خشونت آشکار برای نشان‌دادن قدرت برتری‌طلبانهٔ مردانه نسبت به زن است و استفاده‌نکردن از زور، تهدید و تحقیر آشکار برای نشان‌دادن برتری مردانه او را با مردان دیگر متفاوت می‌کند، اما با وجود این ویژگی‌های یوسف، جامعهٔ سنتی زنان را چنان پرورش می‌دهد که زری بدون اجازهٔ شوهر کوچک‌ترین کاری انجام نمی‌دهد (دانشور، ۱۳۴۹: ۵۹- ۶۰).

۲. ۲. ۷. خیانت به زن

از دیگر انواع خشونت پنهان علیه زنان خیانت است که در رمان‌های برگزیده قابل بررسی است. این نوع خشونت، از آن جهت که پیامدهای روانی دارد، خشونت قلمداد می‌شود. در رمان *سنگ‌صبور* صادق چوبک، خیانت عاملی است که زمینهٔ طردشدن فرزند از خانواده را فراهم می‌کند. در این داستان، احمدآقا مرد تحصیل‌کرده‌ای است که در تمام طول زندگی با احوال درونی و مالیخولیایی خود دست به گریبان است. او یکی از قربانیان خیانت مردان به زنانشان است (چوبک، ۱۳۴۵: ۱۸۱). رمان *شوهر آهوخانم* نیز بر مدار خیانت می‌چرخد، مسئله‌ای که دل آهوخانم را به درد می‌آورد و قلبش را مالامال از نفرت می‌کند (افغانی، ۱۳۸۳: ۲۷۸). خیانت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

از حادترین شکل‌های خشونت روانی علیه زنان است که تبعات بسیاری، ازجمله ایجاد بیماری-های روحی و روانی، برای فرد دارد. این نوع از خشونت در *شازده احتجاب* هم وجود دارد. در این داستان، شازده تمام عقده‌های روانی خود را با خیانت آشکار و برقراری روابط جنسی خارج از شرع با کلفت خانه آشکار می‌کند (گلشیری، ۱۳۷۰: ۵۵-۵۶). در *سووشون* نیز این خشونت ظالمانه دیده می‌شود. خان‌کاکا، برادر یوسف، از پدرش این‌گونه یاد می‌کند:

> خان کاکا خشمگین داد زد: «تو هم حالا به من سرکوفت می‌زنی؟ اگر حاج‌آقام عقل داشت الآنه ما کرور کرور ثروت داشتیم. همۀ پول‌ها را خرج آن لکاتۀ رقاص، سودابۀ هندی، کرد. خانمم تو دیار غربت از دستش دق کرد و مرد... (دانشور، ۱۳۴۹: ۲۵و ۲۶ و ۹۲).

در این داستان خیانت‌های متعدد باعث شکنجۀ روحی همسر و حتی دق‌مرگ‌شدن می‌شود.

۲. ۲. ۸. سوءاستفادۀ مالی و بهره‌کشی اقتصادی از زنان

بهره‌کشی اقتصادی از زنان ارمغان نظام سرمایه‌داری مردسالارانه است.

> در نظام سرمایه‌داری مردسالارانه که برای بقای خود بر استثمار طبقۀ کارگر و بهره‌گیری خاص از زنان متکی است، زنان شهروندان درجۀ دو محسوب می‌شوند و انواع صف‌بندی‌های نهادی را برای تداوم این سلطه‌گری ایجاد می‌کنند. به‌عقیدۀ شیلا روبوتام زنان به‌طور عمده محکوم به شغل‌هایی با حداقل امنیت هستند (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۹).

بهره‌کشی اقتصادی از زنان در رمان *سنگ‌صبور* نمود بارزی دارد. زنان در این رمان دست‌مایه‌هایی برای کسب درآمد مردان هستند. شیخ محمود مردی است که زنان را برای مردان غریبه صیغه می‌کند و از این راه برای خانواده‌اش کسب معاش می‌کند (چوبک، ۱۳۴۵: ۱۸۶- ۱۸۷). در رمان افغانی، آهوخانم زنی است که در شروع زندگی‌اش نان می‌پزد و میران نان‌ها را می‌فروشد و از همین راه امرار معاش آنها صورت می‌گیرد. اما پس از آنکه وضعیت معیشتی آنها بهبود می‌یابد، آهو باز هم دست از تلاش برنمی‌دارد و با گیوه‌بافی درآمدی دست‌وپا می‌کند و بعدها از این طریق به سیدمیران ورشکسته کمک می‌کند (افغانی، ۱۳۸۳: ۷۰۳). در رمان *شازده احتجاب* نیز بهره‌کشی اقتصادی از زنان دیده می‌شود. شازده احتجاب در این رمان حاضر نیست برای فخری، که دست تنها تمام کارهای خانه را انجام می‌دهد، کمک‌دست بیاورد. در نتیجه، او مجبور است به‌تنهایی کار چند خدمتکار را انجام دهد و در عوض شازده پول‌هایش را روی میز قمار ببازد (گلشیری، ۱۳۷۰: ۵۳). در رمان *سووشون*،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

شخصیت‌های داستانی اغلب از طبقات مرفه یا متوسط و باسوادند و به‌نظر می‌رسد همین از این نوع خشونت جلوگیری می‌کند.

۳. علل و عوامل خشونت

عوامل و دلایل متعدد و مهمی در اعمال خشونت علیه زنان وجود دارد که همگی به ساختار و فضای جامعه مربوط است. در فضای این داستان‌ها ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی زنان نادیده گرفته شده است. بافت مردسالار و ایدئولوژی‌زده موانع جدی بر سر راه زنان قرار داده تا نتوانند به حقوق خود دست یابند یا حتی از حقوق خود آگاه شوند. همین ناآگاهی ظلم‌پذیری در زنان را نهادینه می‌کند و خشونت علیه خود را بدیهی و طبیعی می‌دانند. همین مسئله، فرهنگ مردسالار و به‌دنبال آن خشونت علیه زنان را بازتولید می‌کند. «نگاه سنتی تعلیم و تربیت زنان را با عرف و مذهب مغایر می‌دانست و در مقابل تحول از خود سخت‌جانی نشان می‌داد» (نوری و مسیب‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۹۱)؛ زیرا باور این بود که هرگاه زنان درس بخوانند و معلوماتی کسب کنند، دیگر حاضر به اطاعت از مردان نمی‌شوند و کانون خانواده و نظم سنتی جامعه دگرگون می‌شود. زنان ضعیف و مطیع از جایگاه فرودست به جایگاه بهتری دست می‌یابند و این تغییر جایگاه باعث می‌شود که از سلطهٔ مردانه خارج شوند و به اوامر مردان تن درندهند. در ادامه، به مهم‌ترین دلایل بروز خشونت می‌پردازیم.

۳. ۱. تفاوت سنی

یکی از این موقعیت‌های نابرابر، تفاوت سنی بسیار زن با شوهر است که ازجمله علل اعمال خشونت و زورگویی دربرابر زنان است. در جامعهٔ عهد قاجار و پهلوی اول، فاصلهٔ چندانی بین کودکی و ازدواج دختران وجود نداشت (همان، ۱۰۰). گوهر در رمان *سنگ‌صبور*، تحت تأثیر جامعهٔ مردسالار و اجبار ناخواسته‌ای که فقر به زندگی‌اش غالب کرده است، به دستور حاجی‌اسمعیل و سکوت اجباری مادر در سن کم و با اختلاف سنی فاحشی حدود چهل‌سال به عقد حاجی‌اسمعیل درمی‌آید و از همان ابتدای زندگی مشترک هدف خشونت فیزیکی و جنسی حاجی‌اسمعیل قرار می‌گیرد (چوبک، ۱۳۴۵: ۶۴- ۶۵). در رمان *شوهر آهوخانم* نیز این تفاوت سنی زیاد مشهود است. این تفاوت باعث بروز اقتدارگرایی مردان و اعمال خشونت از جانب آنها و ایجاد ترس و رعب در دل زنان کم‌سال داستان‌ها می‌شود. در *سووشون* و *شازده احتجاب* صریحاً به این موضوع اشاره نشده است، اما در خلال داستان، خواننده به اختلاف سنی زوجین پی می‌برد؛ گویی این موضوع یک امر بدیهی و طبیعی در گفتمان فرهنگی حاکم بر داستان‌های مذکور است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

۳. ۲. تفاوت مذهبی

در رمان *سنگ‌صبور*، در جایی گوهر از احمدآقا می‌خواهد که او را صیغه کند، اما احمدآقا خواهان برقراری رابطه‌ای خارج از شرع با گوهر است و به‌گفتۀ او، نه‌تنها به مذهب پای‌بند نیست، بلکه اعتقادی هم به آن ندارد (چوبک، ۱۳۴۵: ۲۲۷) و همین بی‌قیدی مذهبی عامل بروز خشونت علیه گوهر است.

۳. ۳. تفاوت فرهنگی

تفاوت فرهنگی و اختلاف طبقۀ فرهنگی از عوامل مهم خشونت علیه زنان است. در رمان *سنگ‌صبور*، احمدآقا معلم تحصیل‌کرده‌ای است که ازلحاظ فرهنگی در سطح بالاتری نسبت به بقیۀ افراد داستان قرار دارد. همین تفاوت سبب نوعی نگرش برتری‌جویانه در او نسبت به بقیۀ افراد داستان می‌شود که اغلب بی‌سواد و متعلق به طبقات فرودست جامعه‌اند و تلاش برای زنده‌ماندن تنها هدفشان در زندگی است (چوبک، ۱۳۴۵: ۴۷). در رمان *شوهر آهوخانم* این مسئله واضح نیست، ولی در رمان *شازده احتجاب* اختلاف فرهنگی بین شازده و فخری و فخرالنساء درخور تأمل و انکارناپذیر است. همین عامل به شازده برای اعمال خشونت‌های عدیده قدرت می‌دهد.

۳. ٤. تعدد همسران

تعدد همسران نیز از عوامل و دلایل مهم خشونت به‌شمار می‌رود. رایج‌ترین شکل ازدواج، عقد دائم و از دیگر شیوه‌های رایج ازدواج، صیغه‌کردن دختران و زنان است. مطابق شرع، مرد می‌تواند تا چهار زن عقدی داشته باشد و نیز در داشتن زن صیغه‌ای هیچ محدودیتی ندارد. در سه اثر این عامل تأثیرگذار بر خشونت علیه زنان دیده می‌شود. برای مثال، در رمان *سنگ‌صبور* حاج‌اسمعیل بر سه زن اول خودش انواع خشونت‌های فیزیکی را اعمال می‌کند:

> اما حاجی به زنای دیگش خیلی بداخلاقی می‌کرد، و اونام خیلی ازش می‌ترسیدن، برای اینکه بی‌هوا می‌زد. یه‌هو می‌دیدی سر یه چیز کوچکی تا می‌خوردن می‌زدشون (همان، ۶۵).

در *شازده احتجاب* نیز این پدیده به‌طور آشکار دیده می‌شود:

> بین این جد کبیر و همۀ آن اجداد والاتبار مسابقۀ غریبی است، مسابقۀ تعدد زوجات و رنگی نطع. هر کدام می‌خواهند حرم‌سرای رنگین‌تری داشته باشند و... (گلشیری، ۱۳۷۰: ۳۷).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

در *شوهر آهوخانم* نیز موضوع اصلی داستان همین است و غرض اصلی نویسنده از نگاشتن کتاب، نشان‌دادن پدیدهٔ چندهمسری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی است. برای فهم اهمیت موضوع کافی است که ببینیم از چهار اثر مذکور، سه رمان به این پدیده پرداخته‌اند.

۳. ۵. عرف تعاملی و هنجارهای فرهنگی

عامل دیگر بروز خشونت علیه زنان عرف تعاملی و هنجارهای فرهنگی است. در برخی از جوامع، اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان طبیعی قلمداد شده و جزئی از «هنجارهای فرهنگی شده است. یکی از دلایل اصلی خشونت مردان علیه زنان این است که مردان به خود اجازه می‌دهند و این را حق خود می‌دانند که اگر زن بنابر میل همسر رفتار نکرد به او توهین کنند و وی را کتک بزنند» (سالاری‌فر و تبیک، ۱۳۸۹: ۱۰۰). علاوه‌بر این‌موضوع، برخی رفتارهای غلط در جوامع ناشی از تکرار در طی دوران طولانی است. به بیانی ساده‌تر، ممکن است هر کشور، استان، شهرستان یا منطقه‌ای عادات رفتاری خاصی داشته باشند که به همان محدوده منحصر است. این نوع رفتار در جامعهٔ سنتی ایران نیز وجود دارد. یکی از بارزترین نمونه‌های عرف تعاملی در جامعهٔ سنتی تأثیر خرافه در زندگی افراد است (همان، ۱۰۱). همین عامل باعث ظهور و تشدید خشونت علیه زنان می‌شده است. ازجمله، بدقدم‌بودن زن به‌هنگام ورود به خانهٔ همسر می‌توانست عامل خشونت و حتی طلاق باشد. یکی دیگر از نمونه‌های خرافه‌پرستی و ارتباط آن با خشونت علیه زنان را در رمان *سنگ‌صبور* می‌بینیم که گوهر و کاکل‌زری قربانی خرافه‌پرستی مردم می‌شوند. خون‌افتادن دماغ کاکل‌زری در مکانی مقدس نشانهٔ شوم‌بودن و حرام‌زاده‌بودن فرزند در نظر زائران تلقی می‌شود و زمینهٔ طردشدن گوهر و کاکل‌زری از خانواده و جامعه را فراهم می‌کند (چوبک، ۱۳۴۵: ۹۷). این عامل در رمان *شازده احتجاب* نیز به‌عنوان عاملی خشونت‌زا وجود دارد. در این داستان، قانون نانوشتهٔ خون‌بس که در ایلات و عشایر و زندگی قبیله‌ای عمومیت داشته دیده می‌شود (گلشیری، ۱۳۷۰: ۴۱). اعتیاد به موادمخدر و مصرف الکل دیگر عامل خشونت‌زا علیه زنان است. در رمان *سنگ صبور* اعتیاد سبب اعمال خشونت همسر بلقیس علیه اوست. شوهر بلقیس مرد معتاد و بیکاری است که برای تأمین مواد و خرج زندگی، همسرش را مجبور به گدایی و کلفتی در خانه‌های مردم می‌کند (چوبک، ۱۳۴۵: ۲۷). همچنین، دائم‌الخمربودن شازده یکی از عوامل بروز خشونت‌های فیزیکی علیه فخری در *شازده احتجاب* است.

هیچ‌وقت نشد من را ببرد بیرون. چه خنده‌ای می‌کرد! گلویم می‌سوخت. تلخ بود. گفتم: «شازده، من نمی‌خورم». گفت: «فخرالنساء، باید بخوری» و زد. همه‌اش با پشت دست می‌زند، آن هم توی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

صورتم، این‌طرف. اول پیشانی‌ام داغ شد بعد دست‌هایم. شازده گفت: «باز بخور، فخرالنساء». گفتم: «نمی‌خوام». نگاهم کرد. ترسیدم (گلشیری، ۱۳۷۰: ۵۸).

الکلی‌بودن شوهر عزت‌الدوله در *سووشون* موجب آزار و اذیت عزت‌الدوله می‌شود (دانشور، ۱۳۴۹: ۹۲). در تمام این نمونه‌ها، ضعف و عدم قدرت دفاعی قدر مشترک همۀ زنان این داستان‌هاست. پذیرفتن جبر و خشونت و تن‌دردادن به تحقیر و خوارداشت از ویژگی‌های مشترک این زنان است. زنان در فضا و گفتمان این داستان‌ها به طبقۀ فرودست تعلق دارند و سرنوشت شوم و محتوم در وجود همۀ آنها نهادینه شده است و خواسته و ناخواسته بازیگر ضعیف و فرودست و مظلوم جامعۀ مردسالار حاکم بر این داستان‌ها هستند.

با توجه به مباحث فوق، می‌توان گفت که نویسندگان این چهار اثر، با نشان‌دادن انواع خشونت‌ها و عوامل ایجاد آن، هدف بالاتری از داستان‌نویسی صرف داشته‌اند. اکثر نویسندگان دهۀ چهل دنباله‌رو ادبیات متعهد و هدفمند بودند و هدف اصلی آنها از نگارش داستان، انعکاس نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی است. از میان آثار برگزیده، دو رمان *سنگ‌صبور* و *شوهر آهوخانم* بیشترین کاربرد اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان را در داستان به خود اختصاص داده‌اند. در رمان *شازده احتجاب* نیز نویسنده متأثر از اندیشه‌های روان‌کاوانۀ یونگ و فروید است. در این رمان، نویسنده دو چهره از زنان را به رشتۀ تحریر درآورده است: زن آرمانی و زن فتنه‌گر در دو شخصیت فخرالنساء و فخری برای نویسنده تبلور یافته است که ازنظر حقوق انسانی، هر دو وضعیت نابسامانی دارند. آنچه در این رمان بیش‌ازهمه نشان‌دهندۀ ظلم علیه زنان است همان قانون تعدد همسران سلسلۀ قاجار است که زن برایشان ابزاری جهت وقت‌گذرانی و لذت بود. از منظری دیگر، این داستان می‌تواند نشان‌دهندۀ سلطۀ قدرتمندان بر ضعفا باشد. قدرتمندان در این داستان مردان و ضعفا به‌طور عموم زنان‌اند. شهوت و قدرت دو عامل تکرارشونده در تبار اجدادی شازده است. فخری در این داستان کلفت خانۀ شازده است که هدف استثمار جسمی، جنسی و روانی شازده احتجاب قرار می‌گیرد. بیشترین آزاری که فخری در این داستان می‌بیند، رابطه‌های جنسی توأم با خشونت است که می‌توان آن را ازنظر فمینیستی به سلطۀ جامعۀ مردسالار نسبت داد.

رمان *سووشون* اولین رمان فارسی ایرانی است که برای زنان و با ادبیاتی زنانه نگاشته شده است (ر.ک: هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۲؛ تلطف، ۱۳۹۱؛ قبادی و آقاگل‌زاده، ۱۳۸۸). دانشور در این داستان کوشیده است تا شخصیت زن ایرانی را همان‌گونه که هست نشان دهد. زنان داستان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

او از افراط و تفریط به‌دورند. شخصیت اصلی این رمان زری است. زنی تحصیل‌کرده که در مدرسهٔ انگلیسی‌ها درس خوانده است. علی‌رغم نشانه‌های ظاهری از زن متجدد ایرانی، زری نیز نمود زنی سنتی است که فقط در چارچوب خانه و خانواده ایفای نقش می‌کند و حاکمیت مردسالارانه را می‌پذیرد. اما او نیز همانند شخصیت آهوخانم و هما در پایان داستان به خود می‌آید و جایگاه اصلی خود را در مقام زنی آزادی‌خواه بازمی‌یابد و بر عنصر ترس که در تمام طول زندگی‌اش همراهش بوده فائق می‌آید. رمان *شوهر آهوخانم* نیز آینهٔ تمام‌نمای زن ایرانی است. در این رمان، ما شاهد نمونه‌های عینی و واقعی از زنان سنتی هستیم. زنان سنتی همچون آهو که در جامعهٔ مردسالار ایرانی هیچ‌گونه حق و حقوقی نداشته‌اند و همواره عنصر فرودست‌اند. افغانی در این اثر آگاهانه و با «زبانی سر راست و مستقیم» (شیری، ۱۳۸۲: ۱۸۸) که مشخصهٔ سبکی اوست دو نمونه از زن ایرانی را شخصیت‌پردازی کرده و به روایت مشقت و رنج‌های آنان پرداخته است. افغانی دراین‌باره می‌گوید: «من از شخصیت‌های کسانی که در زندگی‌ام حضور داشتند متأثر شدم، مثلاً میرزانبی را از یکی از همکاران پدرم که سواد داشت و *شاهنامه* می‌خواند الهام گرفتم» (کریمی‌مهر، ۱۳۸۸: ۳۶۷).

چوبک نیز به‌عنوان نمایندهٔ مکتب جنوب با زبانی استعاری و صریح (شیری، ۱۳۸۲: ۱۸۸) به نشان‌دادن واقعیت‌های اجتماعی حاکم بر جامعهٔ دوران پهلوی پرداخته است. زنان در داستان‌های چوبک «نمایندهٔ فساد جسمی و روحی حاکم بر جامعه هستند. آنها در جایگاه «پیکارو» ـ ضد قهرمان‌ها ـ که جامعه آنها را طرد و محکوم کرده است، حس هم‌دردی خواننده را جلب می‌کنند. به‌طوری‌که اکثر آنها برای بهبود وضع خود به فساد و قساوت دست می‌زنند» (بهارلو، ۱۳۷۲: ۳۴ـ۳۵). آنچه داستان‌های چوبک را از داستان‌های نویسندگان پیش و پس از او متمایز می‌کند تصویر عینی پرورده‌ای است که از گوشه‌های پرت و تاریک جامعه به‌دست می‌دهد. حوادث رمان *سنگ صبور* در دههٔ آغازین ۱۳۰۰ شمسی است. در این برهه از تاریخ «زنان ایران از امتیازات حیوانات اهلی هم بی‌نصیب بودند... در کشور استبدادی ایران، ظلم و ستمگری عادت و طبیعت ثانوی مردم شده بود و هرکس قوی‌تر و زورمندتر بود، نسبت به مادون خود ظلم می‌کرد و چون زنان از همه ضعیف‌تر بودند، مظلوم‌ترین طبقات ایرانی محسوب می‌شدند» (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۷۶).

به‌نظر نگارندگان، صادق چوبک در نگارش رمان *سنگ صبور* بیش از دیگر نویسندگانی که آثارشان در این مقاله بررسی شد، به مسائل فمینیستی و دغدغه‌های زنان پرداخته است. نکتهٔ قابل ذکر در پایان این بخش نوع پرداخت سیمین دانشور، در جایگاه نویسنده‌ای متأثر از جریان فمینیسم و صادق چوبک در مقام نویسنده‌ای که بیشترین توجه را به زنان در رمان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

سنگ صبور دارد، این است که شخصیت زن داستان در رمان *سووشون*، یعنی زری، در جریان داستان و در استحاله‌ای درونی تغییر یافته و در پایان داستان همانی نیست که در آغاز داستان می‌بینیم، اما شخصیت‌های رمان *سنگ صبور* چه مردان و چه زنان در طول داستان تغییر نمی‌کنند و همان‌اند که در آغاز می‌بینیم. در مجموع، باید گفت که چوبک در جایگاه نویسنده‌ای آگاه از جریان‌های فمینیستی تنها به آوردن نمودهایی از دغدغه‌های فمینیستی در قالب واقعیت‌های اجتماعی در *سنگ صبور* پرداخته است، اما زنان و کل اجتماع را ناگزیر از پذیرش جایگاهشان می‌داند و راه‌حلی برای گریز از این چالش ندارد.

٤. نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر دو نوع خشونت آشکار و پنهان در این چهار اثر وجود دارد و از بین این‌دو، خشونت پنهان دارای فراوانی بیشتری است. دو رمان *سنگ صبور* و *شوهر آهوخانم* بیشترین کاربرد اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان را در داستان به خود اختصاص داده‌اند. رمان *سنگ صبور* به‌دلیل سبک ناتورالیستی و نگاه معترض و ناقد چوبک، به زشتی‌ها و ناملایمات جامعه پرداخته است که به‌تبع آن خشونت علیه قهرمانان زن نیز بیشترین بسامد را داراست. داستان *شوهر آهوخانم* نیز، به‌دلیل طرح و نقد یکی از رایج‌ترین معضلات جامعه و زنان، یعنی تعدد همسران، فی‌نفسه داستانی با گرایش فمینیستی محسوب می‌شود و جایگاه مهمی در بازتاب مشکلات و نیز طرح جلوه‌های مختلف خشونت علیه زنان به خود اختصاص می‌دهد. *شازده احتجاب* و *سووشون* نیز به‌دلیل اولویت مسائل سیاسی و نشان‌دادن یک برهه از تاریخ سیاسی و اضمحلال درونی حکومت‌های ایران در رده‌های سوم و چهارم قرار می‌گیرند. اما نکتۀ مهمی که در همۀ این آثار پررنگ است، نگاه زن‌محورانه و دفاع از حقوق زنان و نمایش آلام و دردهای آنهاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علل و عوامل ایجاد و بروز خشونت در این داستان‌ها، تفاوت سنی، تفاوت مذهبی، تفاوت فرهنگی و اختلاف طبقۀ فرهنگی، تعدد همسران، عرف تعاملی و هنجارهای فرهنگی، اعتیاد به مواد مخدر و مصرف الکل است. همگی این عوامل در جامعۀ مردسالار و سنتی ریشه دارد که نویسندگان این چهار اثر با نشان‌دادن انواع خشونت‌ها و عوامل ایجاد آن به دفاع و حمایت از حقوق این قشر آسیب‌پذیر می‌پردازند. اکثر نویسندگان دهۀ چهل دنباله‌رو ادبیات متعهد و هدفمندند و هدف اصلی آنها از نگارش داستان، انعکاس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه است. رمان‌های پیش‌گفته به انعکاس مشکلات و کمبودها و وضع نامطلوب جامعه به‌ویژه حقوق ازدست‌رفتهٔ زنان می‌پردازند.

جدول انواع خشونت آشکار و نمونه‌های داستانی

انواع خشونت: آشکار	نمونه‌های داستانی	عنوان کتاب – شماره صفحه
تجاوز	-تجاوز به گوهر و بلقیس در موارد متعدد -تجاوز سیدمیران به هما -تجاوز شازده به فخری در موارد متعدد -تجاوز افراد مختلف به فردوس	*سنگ‌صبور* ۲۰۵،۱۶۹،۱۶۷،۶۴، ۲۸۶،۲۸۳،۲۴۱ *شوهرآهوخانم* ۶۹۳ *شازده‌احتجاب* ۹۲،۶۹،۶۷،۶۳، ۶۱،۵۶،۵۱،۵۰
قتل	-قتل فقیر و روسپیان -قتل مادر به دست فرزند -قتل زن رعیت به دست ارباب	*سنگ صبور* ۲۷ *شازده‌احتجاب* ۱۶ *شازده‌احتجاب* ۲۱
سقط‌جنین	-سقط‌جنین هما -سقط‌جنین فردوس	*شوهرآهوخانم* ۳۸۲،۱۹۲ *سووشون* ۹۳
آزار جسمی	-ضرب و شتم بسیار زیاد و متعدد آهو به دست سیدمیران -کتک‌خوردن تمامی شخصیت‌های زن در کل داستان -ضرب و شتم تا حدمرگ زنان به دست اربابان و همسران	*شوهرآهوخانم* ۲۰۷،۱۹۲،۱۶۵،۸۵،۳۸، ۴۱۷،۳۱۸،۳۱۷،۳۱۶،۳۱۵،۲۶۹، ۴۱۳، ۵۰۳، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۸، ۶۶۴، ۶۶۹ *سنگ صبور* ۶۵، ۷۰،۶۹، ۷۴، ۹۳، ۹۶، ۲۷۲،۲۱۴،۲۰۵،۱۷۵،۱۷۴،۱۶۹، ۲۷۸، ۲۷۹، ۳۰۹ *شازده‌احتجاب* ۲۱،۱۶، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۶، ۶۷، ۷۶، ۸۵

Types of overt violence and examples of fiction

Types of Violence: Manifest	Examples of stories	Book Title - Page Number
Rape	Rape of Gohar and Belqis on several occasions Seyed Miran raped Homa- Rape of the prince to Fakhri on several occasions Rape of different people to Ferdows	*Sang-e Sabur* 64, 167, 169, 205, 241, 283, 286 *Showhar-e Ahu Khanom* 693 *Shazdeh Ehtejab* 50, 51, 56, 61, 63, 67, 69, 92
Murder	Murder of the poor and prostitutes Murder of mother by child Murder of a peasant woman by the master	*Sang-e Sabur* 27 *Shazdeh Ehtejab* 16 *Shazdeh Ehtejab* 21
Abortion	Homa abortion Abortion of Ferdows	*Showhar-e Ahu Khanom* 192, 382 *Suvvashun* 93
Physical abuse	Mayhem of Ahu by seyed Miran Beating all the female characters throughout the story Beating to the point of death of women by lords and wives	*Showhar-e Ahu Khanom* 38, 85, 165, 192, 207, 269, 316, 317, 318, 413, 417, 503, 565, 566, 568, 664, 669 *Sang-e Sabur* 65, 69, 70, 74, 93, 96, 169, 174, 175, 205, 214, 272, 279, 309 *Shazdeh Ehtejab* 16, 21, 45, 47, 49, 51, 53, 58, 66, 67, 76, 85

جدول انواع خشونت پنهان و نمونه‌های داستانی

انواع خشونت: پنهان	نمونه های داستانی	عنوان کتاب – شماره صفحه
آزار جنسی	-کامجویی اجباری ماموران دولتی و شخصیت‌های مرد از زنان در بخش‌های مختلف داستان -نگاه و رفتار شهوانی سیدمیران به هما در قسمت‌های مختلف داستان -هم‌بستری بلاجبار و همراه با تحکم‌شازده با خدمتکارش -نگاه جنسی و ناپاک عزت الدوله به زنان و خدمتکاران	*سنگ صبور*، ۶۵،۴۶،۳۹،۲۹،۲۷،۱۶، ۶۹، ۱۹۶،۱۸۷،۱۷۶،۱۷۱،۱۶۸،۱۲۲،۱۱۶،۱۱۰،۷۵و... *شوهرآهوخانم*، ۱۷۸،۱۳۵،۹۳،۴۸،۴۷،۴۲،۳۹ و... ۶، ۲۸،۱۳، ۴۹ تا ۵۶ ۲۵، ۹۱، ۹۲، ۲۸۲
تحقیر و دشنام	-ناسزا گفتن به زنان و توهین و تحقیر در قسمت‌های بسیار داستان -تحقیر و تمسخر آهو به وسیله سیدمیران در قسمت‌های بسیار داستان -ناسزاگفتن‌های بی‌شمار شازده و تحقیر فخری	*سنگ صبور*، ۴، ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۴۷، ۴۸، ۵۸، ۶۱، ۶۴،۶۲، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۶۷، ۱۶۸و...شوهرآهوخانم، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۸۱، ۸۲، ۹۳،۹۴، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۹۳، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۰۹ و... *شازده‌احتجاب*، ۷، ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۸، ۳۰، ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۷۴، ۸۵، ۸۹، ۹۰
در انزوا نگه داشتن	اجازه نداشتن گوهر برای حضور در جمع از جمله برای غذا خوردن	*سنگ صبور*، ۱۴، ۲۶، ۲۹، ۳۵، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۹۷، ۱۸۸، ۲۱۴، *شوهرآهوخانم*، ۱۴۲،۱۰۱،۹۹،۹۷،۷۸،۴۲،۴۱،۳۹،۳۸، ۱۵۸، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۹۹و...

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

	-اعتقاد سید میران به درکنج خانه ماندن و زاد و ولد کردن -نگه داشتن زن‌ها در حرمسراها و اتاق خواب‌ها -خانه‌نشینی و فرزندپروری صرف	*شازده/حتجاب*، ۷، ۱۶، ۳۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۸، ۶۷و ... *سووشون*، ۱۱، ۱۲۱، ۱۳۰
کم‌انگاری و هووآوردن	-هووداشتن زنان و بی‌توجهی به خواسته‌های آنها از جمله زن حاج‌اسماعیل -ازدواج مجدد سیدمیران بدون توجه به همسر اول و تحقیر شدن بسیار او -رابطه نامشروع و حقارت‌آمیز با خدمتکار -رابطه نامشروع عزت‌الدوله و ابزاری نگاه کردن به زن	*سنگ صبور*، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۹۶، ۹۷، ۲۰۲، ۲۰۴ و.... *شوهرآهوخانم*، ۱۶۹، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۵۶، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۸، ۲۸۶، ۲۹۷، ۳۰۰، و... *شازده/حتجاب*، ۵۳، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۸، ۸۹ *سووشون*، ۹۱، ۹۲، ۲۸۲
عدم استقلال و هویت فردی	-تحت امر مردان بودن زنان -عدم هویت فردی و وابستگی ماهوی زنان به مردان ازجمله تفکر مرده پنداشتن زنان بدون مردان -بی هویتی و سرگردانی زنان اشرافی و غیر اشرافی -تصور مترسک بودن زن بدون مرد و عدم توانایی او	*سنگ صبور*، ۱۳، ۲۳، ۴۸، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۹۲، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۶۴، ۳۱۱، ۳۲۰، ۳۲۳و... *شوهرآهوخانم*، ۳۰،۳۱، ۳۷، ۸۱، ۸۲، ۹۱، ۹۹، ۱۰۱، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۷۱، ۲۴۱، ۲۵۵، ۲۵۶و... *شازده/حتجاب*، ۶، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۸، ۵۹، ۶۷، ۶۹، ۷۹ و... ۹۱، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۲۹۳ و...
مردسالاری خیانت به زن	-سلطه‌طلبی و انحصارطلبی مردانه خیانت پدر احمدآقا به همسرش و تولد نامشروع او -خیانت سیدمیران به آهو -روابط نامشروع با زنان و خدمتکاران و خیانت به فخرالنسا -روابط نامشروع حاج آقا با روسپیان	*سنگ صبور*، ۱۲،۲۲، ۳۵، ۴۶، ۴۸، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۹۶، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۸۸، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۲۷، ۲۴۲و ... *شوهرآهوخانم*، ۳۱، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۸۱، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۱۰۱، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۵و... *شازده/حتجاب*، ۷، ۱۶، ۳۴، ۴۰، ۵۴، ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۶۹، ۹۰، ۹۲و... *سووشون*، ۵۹، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۹، ۲۹۳ *سنگ صبور*، ۱۸۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴ *شوهرآهوخانم*، ۲۵۶، ۲۷۵ *شازده/حتجاب*، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۳، ۸۹، ۹۰ *سووشون* ۲۵، ۲۶، ۹۲
سوءاستفاده مالی و بهره‌کشی اقتصادی از زنان	-کسب درآمد از طریق صیغه‌کردن زنان با مردان غریبه -گیوه دوختن شبانه روزی و نان پختن آهو امرار معاش خانواده -کلفتی فخری برای شازده بدون دستمزد	*سنگ صبور*، ۱۸۵، ۱۸۷، ۳۲۱، ۳۲۲ *شوهرآهوخانم*، ۵۳، ۶۲، ۷۴ ۵۳، ۶۲، ۷۴

Types of hidden violence and examples of fiction

Book Title - Page Number	Examples of stories	Types of Violence: Hidden
Sang-e Sabur 16, 27, 29, 39, 46, 65, 69, 75, 110, 116, 122, 168, 171, 176, 187, 196… *Showhar-e Ahu Khanom* 39, 42, 47, 48, 93, 135, 163, 178,… 6, 13, 28 49-56 25, 91, 92, 282	Forced sexual intercourse between government officials and male characters with women in different parts of the story Seyed Miran's erotic look and behavior towards Homa in different parts of the story Forced sexual intercourse with a servant Ezzat al-Dawla's sexual view of women and servants	Sexual harassment
Sang-e Sabur 4, 5, 11, 12, 13, 16, 23, 24, 26, 27, 28, 29, 31, 32, 47, 48, 58, 61, 62, 64, 69, 70, 71, 72, 73, 74, 91, 94, 96, 98, 117, 118, 167, 168,… Showhar-e Ahu Khanom 37, 38, 39, 41, 81, 82, 93, 94, 132, 135, 137, 141, 162, 166, 168, 193, 196, 202, 208, 209 ,… *Shazdeh Ehtejab* 7, 12, 16, 19, 28, 30, 47, 53, 54, 56, 59, 61, 64, 66, 74, 85, 89, 90	Swearing at women and insulting and humiliating them in many parts of the story Humiliation and ridicule of Ahu by Seyed Miran in many parts of the story Countless insults of the prince and humiliation of Fakhri	Humiliation and insults
Sang-e Sabur 14, 26, 29, 35, 61, 62, 64, 97, 188, 214, *Showhar-e Ahu Khanom* 38, 39, 41, 42, 78, 97, 99, 101, 142, 158, 421, 419, 499,…	Do not allow Gowhar to be present in public, including for eating	Keep in isolation

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

Shazdeh Ehtejab 7, 16, 37, 49, 50, 51, 52, 58, 67, … *Suvvashun* 11, 121, 130	Seyed Miran believes in staying at home and giving birth Keeping women in seraglio and bedrooms Mere housekeeping and parenting	
Sang-e Sabur 65, 66, 68, 69, 71, 72, 96, 97, 202, 204, … *Showhar-e Ahu Khanom* 169, 209, 216, 219, 222, 225, 256, 269, 271, 278, 286, 297, 300, … *Shazdeh Ehtejab* 53, 59, 61, 62, 63, 68, 89 *Suvvashun* 91, 92, 282	Remarriage of men and disregard for the wishes of women Seyed Miran remarried regardless of his first wife and his great humiliation Illegal and degrading relationship with the servant Ezzat al-Dawla's illegitimate relationship and looking at women as a tool	Underestimation and remarriage
Sang-e Sabur 13, 23, 48, 58, 59, 62, 63, 64, 65, 92, 187, 188, 264, 311, 320, 323 *Showhar-e Ahu Khanom* 30, 31, 37, 81, 82, 91, 101, 158, 161, 171, 241, 255, 256, … *Shazdeh Ehtejab* 6, 26, 28, 29, 30, 45, 48, 49, 58, 59, 67, 69, 79,… 91, 117, 118, 122, 293,…	Being under the command of men Lack of individual identity and essential dependence of women on men Anonymity and confusion of aristocratic and non-aristocratic women The notion that a woman without a man is a scarecrow and her inability	Lack of independence and individual identity
Sang-e Sabur 12, 22, 35, 46, 48, 55, 61, 62, 64, 96, 169, 175, 188, 202, 214, 227, 242, … *Showhar-e Ahu Khanom* 31, 37, 38, 39, 81, 92, 93, 96, 101, 130, 131, 145, 156, 171, 178, 192, 197, 201, 202, 246, 249, 255, … *Shazdeh Ehtejab* 7, 16, 34, 40, 54, 59, 61, 65, 69, 90, 92, … *Suvvashun* 59, 118, 122, 126, 129, 293 *Sang-e Sabur* 181, 202, 203, 204 *Showhar-e Ahu Khanom* 256, 275 *Shazdeh Ehtejab* 53, 54, 56, 63, 89, 90 *Suvvashun* 25, 26, 92	Male domination and monopoly Ahmad Agha's father betrayed his wife and his illegitimate birth Seyed Miran betrayed the Ahu Illegal relations with women and servants and betrayal of Fakhr al-Nisa Haj Agha's illegitimate relationship with prostitutes	patriarchy Betrayal of a woman
Sang-e Sabur 185, 187, 321, 322 *Showhar-e Ahu Khanom* 53, 62, 74, 53, 62, 74 ۷۴ ،۶۲ ،۵۳ ، ۷۴ ،۶۲ ،۵۳	Make money by concubining women with strangers Sewing cotton summer around the clock and baking Ahu bread for the family's livelihood Bailiwick fakhri for prince without pay	Financial abuse and economic exploitation of women

منابع

آبوت، پاملا و والاس کلر (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمهٔ منیژه نجم عراقی. تهران: نی.

اسداللهی، مائده و همکاران (۱۳۹۶) «بررسی مقایسه‌ای جلوه‌های خشونت زنان در داستان‌های دختر غبار و کولی کنار آتش». *ادبیات تطبیقی*. سال نهم. شمارهٔ ۱۶: ۱-۱۹.

اسماعیل‌پور، فرزانه (۱۳۹۳) تحلیل جامعه‌شناختی جلوه‌های فرهنگی خشونت علیه زنان در ادب فارسی (مورد مطالعه: قصه‌های صادق هدایت و جلال آل‌احمد). پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز.

اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) *خشونت خانگی زنان کتک‌خورده*. تهران: سالی.

اعزازی، شهلا (۱۳۸۳) «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان». *رفاه اجتماعی*. سال چهارم. شمارهٔ ۱۴: ۴۷- ۸۴.

اعزازی، شهلا (۱۳۹۰) *دگرگونی در نقش زنان* (مجموعه مقالات). تهران: علم.

افغانی، علی‌محمد (۱۳۸۳) *شوهر آهوخانم*. چاپ چهاردهم. تهران: دنیای دانش.

بالائی، کریستف (۱۳۷۷) *پیدائش رمان فارسی*. ترجمهٔ مهوش قویمی و نسرین خطاط. تهران: معین-انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

بهارلو، محمد (۱۳۷۲) *داستان کوتاه ایران*. تهران: طرح‌نو.

تایسن، لیس (۱۳۸۷) *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*. ترجمۀ مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز.

تلطف، کامران (۱۳۹۱) «داستان‌های سیمین دانشور: تمثیل‌هایی از تعهد، تقابل و تعامل». *ایران‌نامگ*: ۲۳۱.

چوبک، صادق (۱۳۴۵) *سنگ‌صبور*. تهران: بی‌جا.

حسینی، مریم (۱۳۹۳) *ریشه‌های زن ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی*. تهران: چشمه.

دانشور، سیمین (۱۳۴۹) *سووشون*. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

درویشی، سعیده و محمد اکبری (۱۳۹۵) «بررسی جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در داستان هجرت سلیمان با تأکید بر هویت زنان». *زن و مطالعات خانواده*. دورۀ نهم. شمارۀ ۳۴: ۱۱۴-۹۵.

دوبووار، سیمون (۱۳۸۵) *جنس دوم*. ترجمۀ قاسم صنعوی. جلد دوم. چاپ هفتم. تهران: طوس

رحمانی، کیومرث و سوبهاش کمار (۱۳۹۶) «خشونت علیه زنان در رمان جای خالی سلوچ و رمان گودان». *پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان*. دورۀ بیست‌ودوم. شمارۀ ۱: ۱۵۷-۱۸۲.

رید، ایولین (۱۳۸۰) *آزادی زنان*. ترجمۀ افشنگ مقصودی. تهران: گل‌آذین.

سالاری‌فر، محمدرضا و محمدتقی تبیک (۱۳۸۹) *مقابله با خشونت خانگی علیه زنان*. قم: هاجر.

سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۹) *خشونت خانگی علیه زنان*. قم: هاجر.

سپانلو، محمدعلی (۱۳۶۶) *نویسندگان پیشرو ایران*. تهران: نگاه.

سیگر، جونی و سعید مدنی قهفرخی (۱۳۹۵) *زنان در جهان و ایران*. تهران: روزنه.

شیری، قهرمان (۱۳۸۲) «پیش‌درآمدی بر مکتب‌های داستان‌نویسی در ادبیات معاصر ایران». *نشریۀ دانشکدۀ ادبیات دانشگاه تبریز*. سال چهل و ششم. شمارۀ ۱۸۹: ۱۴۷ـ ۱۹۰.

صمدی، روناک و همکاران (۱۳۹۷) «بررسی جلوه‌های ناتورالیسم در داستان‌های کوتاه دولت‌آبادی و درویشیان». *زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج*. سال دهم. شمارۀ ۳۵: ۹۰-۱۱۴.

عسگری، عسگر (۱۳۹۴) *جامعه‌شناسی رمان فارسی*. تهران: نگاه.

علینقی، مهشید (۱۳۹۶) بررسی و تطبیق خشونت در آثار برگزیدۀ گلی ترقی و تونی موریسون. پایان‌نامۀ کارشناسی‌ارشد. دانشکدۀ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی.

غذامی، عبدالـله (۱۳۹۵) *زن و زبان*. ترجمۀ هدی عوده‌تبار. تهران: گام نو.

فیروزجاییان، علی‌اصغر و زهرا رضایی (۱۳۹۳) «تحلیل جامعه‌شناختی خشونت زنان علیه مردان». *توسعۀ اجتماعی*. سال ششم. شمارۀ ۲. ۴۱۱-۴۳۲ .

دوکردی، حسین و علی‌اصغر حسینی نوذری (۱۳۹۴) «تجربۀ انواع آزار جنسی زنان». *رفاه اجتماعی*. سال پانزدهم. شمارۀ ۵۷: ۷ـ ۳۰.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

قبادی، حسینعلی و همکاران (۱۳۸۸) «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور». *نقد ادبی*. شمارهٔ : ۱۴۹-۱۸۳ .

کار، مهرانگیز (۱۳۸۷) *پژوهشی دربارهٔ خشونت علیه زنان در ایران*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

کبیری، افشار و همکاران (۱۳۹۷) «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان». *زن و جامعه*. سال نهم. شمارهٔ ۲: ۲۹۵-۳۲۰.

کریمی‌مهر، سحر (۱۳۸۸) «گفتگو با علی‌محمد افغانی». *بخارا*. شمارهٔ ۷۱: ۳۶۳- ۳۶۹.

گلشیری، هوشنگ (۱۳۷۰) *شازده احتجاب*. چاپ نهم. تهران: بی‌جا.

محمدی‌اصل، عباس (۱۳۹۰) *جنسیت و خشونت*. چاپ دوم. تهران: گل‌آذین.

مقصودی، سوده و همکاران (۱۳۹۴) «بررسی انواع خشونت‌های اعمال‌شده علیه زنان در رمان پریچهر». *زن و مطالعات خانواده*. شمارهٔ ۲۹: ۲۳ -۴۰.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳) *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. چاپ دوم. تهران: علمی.

میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷) *صدسال داستان‌نویسی*. جلد ۱ و۲. تهران: چشمه.

نوری، هادی و صدیقه مسیب‌نیا فخبی (۱۳۹۶) *حقوق شهروندی زنان در ایران بین دو انقلاب*. تهران: پارسه.

واصفی، صبا و حسن ذوالفقاری (۱۳۸۸) «خشونت علیه زنان در آثار محمود دولت‌آبادی». *پژوهش زنان*. دورهٔ هفتم. شمارهٔ ۱: ۶۷- ۸۶.

ولی‌زاده، وحید (۱۳۸۷) «جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی». *نقد ادبی*. سال اول. شمارهٔ ۱: ۱۹۱ – ۲۹۴.

هاشمی‌نژاد، قاسم (۱۳۹۲) «سیمین دانشور: سووشون». در: *بوته بر بوته؛ آثار معاصران در بوتهٔ نقد*. تهران: هرمس.

Persian Refrences in English

Abbott, Pamela and Wallace Keller (2001) *Sociology of Women*. Trans by Manijeh Najm Iraqi. Tehran: Ney [In Persian]

Afghani, Ali Mohammad (2004) *Husband of Ahokhanam*. Fourteenth Edition. Tehran: Donya-ye Danesh [In Persian]

Al-Ghathami, Abdullah (2015) *Woman and Language*. Trans by Hoda Odeh. Tehran: Gam-e No [In Persian]

Alinaghi, Mahshid (2017) A Study and Comparasion of Violence in the Selected Works of Goli Taraqi and Tony Morrison. Masters, Imam Khomeini International University. Faculty of Literature and Humanities [In Persian]

Asadollahi, Maedeh et al. (2017) "Comparative Study of the Effects of Violence Against Women in the Stories of Dokhtar-e Ghobar and Koli Kenar-e Atash ". *Comparative Literature*. Vol.9. No. 16, pp.:1-19 [In Persian]

Askari, Askar (2015) *Sociology of Persian Novels*. Tehran: Negah [In Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

Baharloo, Mohammad (1994) *Short Story of Iran*. Tehran: Tarh-e No [In Persian]

Balaei, Christoph (1998) *The Origin of the Persian Novel*. Trans by Mahvash Ghavimi and Nasrin Khatat. Tehran: Deputy of the French Iranian Studies Association in Iran [In Persian]

Chubak, Sadegh (1967) Sang-e Sabur. Tehran [In Persian]

Daneshvar, Simin (1971) *Suvvashun*. Second Edition. Tehran: Kharazmi [In Persian]

Darvishi, Saeedeh and Mohammad Akbari (2016) "Sociological Study of Violence Against Women in the Story of Hejrat-e Suleiman; with Emphasis on Women's Identity"., *Women and Family Studies*, Winter, Vol.9, Num. 34: 95-114 [In Persian]

De Beauvoir, Simone (2006) *The Second Gender*. Trans by Qasim Sanawi. Vol, II. Seventh Edition. Tehran: Toos [In Persian]

Do Kurdi, Hossein and Ali Asghar Hosseini Nozari (2015) "Experience of Various Types of Sexual Harassment of Women". *Social Welfare*. Vol.5. No. 57: pp.:7-30 [In Persian]

Ezazi, Shahla (2001) *Domestic Violence of Battered Women*. Tehran: Saly [In Persian]

Ezazi, Shahla (2004) "Society Structure and Violence Against Women". *Social Welfare*. Vol.4. No. 14. Pp.: 47- 84 [In Persian]

Ezazi, Shahla (2011) *Transformation in the Role of Women* (Collection of Articles). Tehran: Elm [In Persian]

Firoozjaeian, Ali Asghar and Zahra Rezaei (2014) "Sociological Analysis of Violence Against Men by Women". *Social Development*. Vol.6. No. 2. Pp.: 411 -432 [In Persian]

Ghobadi, Hossein Ali et al. (2009) "Analysis of the Dominant Discourse in the Simin Daneshvar's Novel Suvvshun". *Literary Criticism Quarterly*. Number 6, Summer, pp.: 149-183 [In Persian]

Golshiri, Houshang (1992) *Shazde Ehtejab*. Ninth Edition. Tehran [In Persian]

Hasheminejad, Qasem (2013) "Simin Daneshvar: Suvshun". In: *Plant to Plant; Contemporary Works in the Critical Plant*. Tehran: Hermes [In Persian]

Hosseini, Maryam (2014) *The Roots of Misogyny in Classical Persian Literature*, Tehran: Cheshmeh [In Persian]

Ismailpour, Farzaneh (2014) Sociological Analysis of the Cultural Manifestations of Violence Against Women in Persian Literature (Case

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

Study: the Stories of Sadegh Hedayat and Jalal Al-e-Ahmad), M.Sc. Islamic Azad University, Tehran Branch [In Persian]

Kabiri, Afshar et al. (2015) "Sociological Analysis of Factors Affecting Domestic Violence Against Women". *Women and Society*. Vol.9. No. 2: 295-320 [In Persian]

Kar, Mehrangiz (2008) *A study on Violence Against Women in Iran*. Tehran: Roshangaran va Motalat-e zanan [In Persian]

Karimi Mehr, Sahar (2009) "Conversation with Ali Mohammad Afghani". *Bukhara*. No. 71, pp.: 363- 369 [In Persian]

Maghsoudi, Soodeh et al. (2015) "A Study of Types of Violence Against Women in Parichehr Novel". *Women and Family Studies*. No. 29: pp.23 -40 [In Persian]

Malekzadeh, Mehdi (1985) *History of the Iranian Constitutional Revolution*. Second Edition. Tehran: Elmi [In Persian]

Mir Abedini, Hassan (1998) *One Hundred Years of Story*. 2 Vol., Tehran: Cheshmeh [In Persian]

Mohammadi-Asl, Abbas (2011) *Gender and Violence*. Second Edition. Tehran: Gol Azin [In Persian]

Nouri, Hadi and Sedigheh Mosibonia Fakhbi (2017) *Women's Citizenship Rights in Iran Between Two Revolutions*. Tehran: Parseh [In Persian]

Rahmani, Kiomars and Subhash Kumar (2017) "Violence Against Women in Jay-e Khali-e Salouch and Godan's Novel". *Contemporary World Literature Research*, Spring and Summer, Vol. 22, Num. 1, pp.: 157-182 [In Persian]

Reed, Evelyn (2001) *Women's Liberation*. Trans by Afshang Maghsoudi. Tehran: Gol Azin [In Persian]

Salarifar, Mohammad Reza (2010) *Domestic Violence Against Women*. Qom: Hajar [In Persian]

Salarifar, Mohammad Reza and Mohammad Taghi Tabik (2010) *Combating Domestic Violence Against Women*. Qom: Hajar [In Persian]

Samadi, Ronak et al. (2015) "A Study of the Effects of Naturalism in the Short Stories of Dolatabadi and the Darvishian". *Persian language and literature of Sanandaj Azad University*. Vol.10, No. 35. Pp.: 90-114 [In Persian]

Shiri, Ghahraman (2003) "An Introduction to the Schools of Story in Contemporary Iranian Literature". *Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz.* Vol.46. Winter, No. 189. pp.: 147-190 [In Persian]

Siger, Joni and Saeed Madani Ghahfarrukhi (2016) *Women in the World and Iran*. Tehran: Rozaneh [In Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1399.28.89.4.0]
[DOI: 10.52547/jpll.28.89.225]

Spanloo, Mohammad Ali (1988) *Leader Iranian Writers*. Tehran: Negah [In Persian]

Talattof, Kamran (2012) "The Stories of Simin Daneshvar: Allegories of Commitment, Confrontation and Interaction". *Iran Namg*. P.: 231 [In Persian]

Tyson, Liss (2008) *Theories of Contemporary Literary Criticism*. Trans by Maziar Hosseinzadeh and Fatemeh Hosseini. Tehran: Negah-e Emruz [In Persian]

Valizadeh, Vahid (2008) "Gender in the Works of Iranian Women Novelists". *Literary Criticism*. First Year. No. 1, pp.: 191–294 [In Persian]

Vasefi, Saba and Hassan Zolfaghari (2009) "Violence Against Women in the Works of Mahmoud Dolatabadi". *Women's Studies*. Seventh Period. No. 1, pp.: 67- 86 [In Persian]